

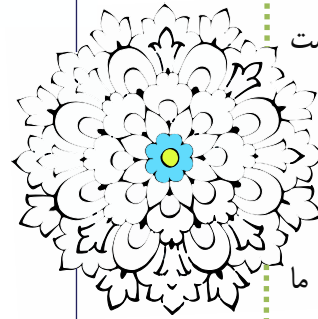


اهمیت نماز

﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ﴾ مریم/۵۵ قرآن می گوید: پیغمبرها بچه هایشان را به نماز دستور می دادند. داریم بچه را سه سالش که شد اول بگو: لا اله الا ... برایش بس است. هفت ماه و بیست روز صبر کن. حالا این هفت ماه و بیست روز چه نقشی دارد، این را باید یک تحقیق علمی پژوهشی کنند. خیلی خوب، هفت ماه و بیست روز... بعد دومین کلمه می گوید: محمداً رسول ...! بعد نماز که می خوانی او را بنشان نماز خواندن تو را ببیند. همینطور به نماز نگاه کند. با چشم هایش فیلم برداری می کند این اثر دارد. نماز خیلی مهم است. نماز یک سرش زایشگاه است، یک سرش قبرستان است. در زایشگاه بچه متولد می شود در گوش راست او اذان، در گوش چپ او اقامه. در قبرستان هم که می خواهند او را خاک کنند، نماز به او بخوان و خاکش کن. نماز مرده.

از امام سؤال می کنند نماز مرده ۵ تا ... اکبر دارد. چرا؟ امام می فرماید: بنای اسلام روی ۵ چیز است. نماز، زکات، حج، روزه، ولایت. چون بنای اسلام روی ۵ چیز است، ما ۵ تا ... اکبر می گوییم. بیان دیگر این است که چون ۵ نماز واجب داریم صبح، ظهر، عصر، مغرب، عشاء، ۵ تا ... اکبر. هر ... اکبر اشاره به یکی از آنها باشد. اینها کد آنها است.

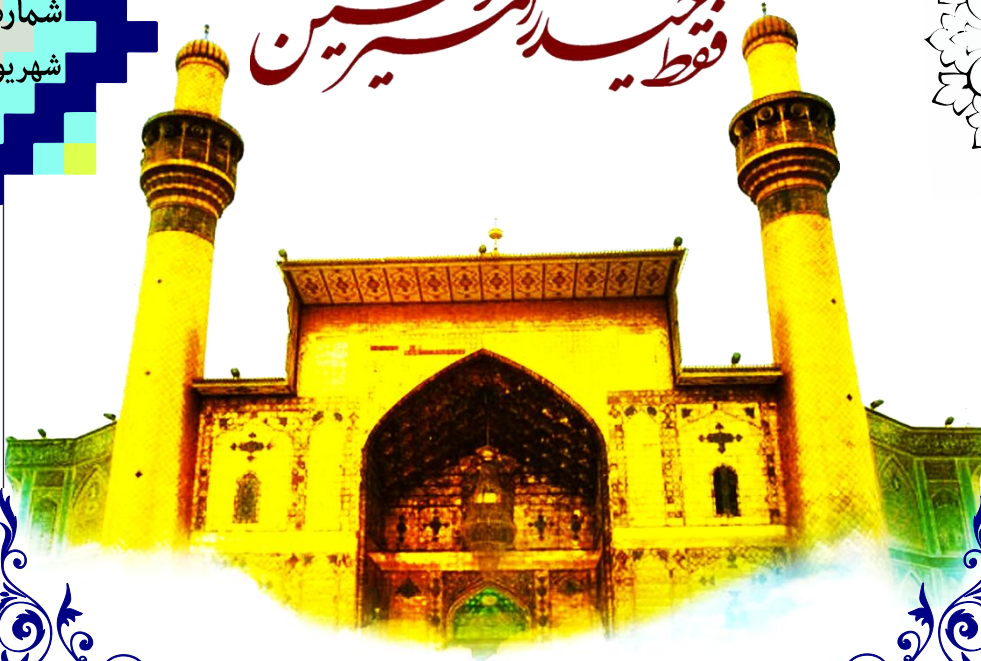
درس هایی از قرآن



فقط دید المؤمن است

مشکات

شماره ۴۱
شهریور ۹۵



تهیه و تنظیم:

واحد فرهنگی کانون بقیه ...

مسجد صاحب الزمان (عج) رضی آباد پایین

E-Mail: mahname.meshkat@yahoo.com

کانال تلگرام مسجد: @sahebazamanmosque

SMS: ۵۰۰۰۲۹۱۷۵۰

چه کار کنم تا از گناه دور بمانم؟

حاج آقا هنوز روی سجاده نشسته بود و داشت نماز می خواند. همان طور نیم خیز و روی زانو رفتم سمت حاج آقا. متوجه حضورم که شد، پیش دستی کرد و سلام داد. جواب دادم و گفتم: حاج آقا! فکر می کنم گیر و گره ای توی کارمه. می خوام کمکم کنید.

دستش را روی سینه اش گذاشت و گفت: چشم. اگه بتونم، مضایقه نمی کنم. در خدمتتان هستم. مدتی بود که حس می کردم ایمانم ضعیف شده است. به راحتی برای گناه وسوسه می شدم. احساس می کردم شیطان سوارم شده است! می خواستم کمکم کند و بگوید چه کار کنم تا از گناه دور بمانم؟

این ها را که برایش گفتم، بلند شد و از روی میز کنار منبر، یک لیوان آب برداشت و دوباره برگشت کنارم نشست. لیوان را داد دستم و گفت: فقط با دقت به سؤال من جواب بده. اگه بدونی توی این لیوان یک مقدار کم سم ریخته و من خواهش کنم، می خوریش؟ با تعجب گفتم: چه حرفیه حاج آقا! خُب معلومه که نه.

کوتاه نیامد و ادامه داد: اگه بگم سم نیست، مزه خوبی داره، خوردنش هم خیلی لذت داره، فقط ممکنه به بدنت نسازه و چند روزی بری توی کما چی؟ حالا می خوریش؟ گفتم: نه حاج آقا، باز نمی خورم.

مهربانانه نگاهم کرد و حرف هایی زد که هیچ وقت فراموش نمی کنم: گناه هم مثل همینه! با این تفاوت که گناه کم کم قیافه رو ناپسند می کنه؛ بعد از چشمها می اندازد و آخرم ذره ذره روحت رو می کُشه. شاید اول ازش لذت هم ببری؛ ولی تهش کُشنده ست و روحت رو مسخ می کنه. اگه این جور ی به گناه نگاه کنی، مواظبی که گناه نکنی و اگر هم ناخواسته این سم رو خوردی، سریع خودت رو می رسونی بیمارستان یا پادزهر توبه گیر میاری؛ بلکه خدا نجات بده.

حاج آقا حسینی راست می گفت. تا آن وقت، از این منظر به گناه نگاه نکرده بودم. خدا را شکر، حالا گناه را یک خطر جدی می دانم.

تا بهشت، دفتر ۸، آستان قدس رضوی

زهرها از خوشحالی داد می زند و مادرش را صدا می زند که: مامان بیا که بابا برنامه ام را امضاء کرده. مادر از چیزی خبر ندارد و از برنامه بی اطلاع بود. وقتی مادر برگه را می گیرد و امضا را نگاه می کند، می بیند که امضای شوهرش است.

این خبر بین بستگان پخش می شود و همه می آیند و این معجزه شهید را می بینند. حتی دست خطهای شهید را تطبیق می دهند و می بینند امضای خود شهید است.

حتی بررسی که می کنند می بینند جوهر خودکاری که پای برگه را امضاء کرده از جوهرهای این عالم نبوده است.

اینجاست که معنی ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ آل عمران آیه ۱۶۹ «و هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مُرده اند، بلکه زنده اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند» روشن می شود.

امضای این شهید به عنوان معجزه شهید نام گذاری شده، که در تهران، خیابان طالقانی، موزه آثار شهدا نگهداری می شود.

اقتدا در رکعت سوم و چهارم

یادمون باشه اگر رکعت سوم و چهارم نماز به امام جماعت اقتدا کردیم باید حمد و سوره رو

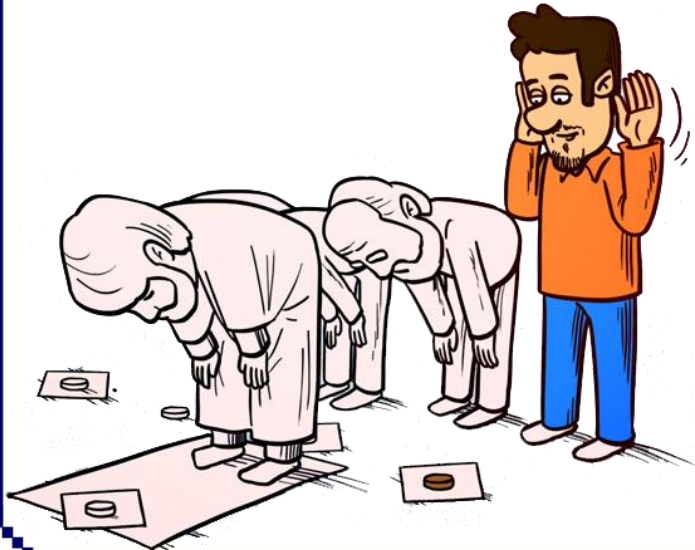
خودمون بخونیم. یه کار

دیگه هم میشه کرد

و اون اینکه صبر کنیم

امام به رکوع بره و بعد

ما اقتدا کنیم. فرهنگ نیوز



عید بزرگی که غریب مانده!

در طول سال در کدام شب، طعام دادن و خرج دادن و نذری دادن ثوابش از تمام شب‌های سال بیشتر است؟ شب قدر؟ شب عاشورا؟ شب ۲۸ صفر؟ ایام عید غدیر غذا دادن ثوابش بیشترین ثواب است.



امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: اگر در عید غدیر یک وعده غذا بدهی، انگار به یک میلیون پیامبر غذا داده‌اید. اگر به بیش از یک نفر طعام بدهید، ببینید چقدر ثواب دارد؟! آن وقت خیلی‌ها وقت‌های دیگر غذا می‌دهند، شب عید غدیر غذا نمی‌دهند.

آن وقت بنده یک سال حج بودم داشتیم با استاد دانشگاه مصر صحبت می‌کردیم. گفت شما از چه مذهبی هستی؟ گفتم مذهب جعفری. گفت شما قرآن را تحریف کرده‌اید؟ گفتم: نه به خدا، قرآن مان با شما فرقی نمی‌کند. ۴ تا سؤال دیگر هم کرد، گفتم: نه این‌ها هم همه‌اش مانند شماست. گفت: پس شما چه فرقی با ما دارید؟ گفتم غدیر را می‌شناسی؟ گفت: نه، گفتم از شیعه چی می‌شناسی؟ گفت: عاشورا. گفتم: غدیر به گوشتان نخورده؟ گفت: نه. گفتم عاشورا را از کجا می‌شناسی؟ گفت: شیعیان شلوغ می‌کنند. غدیر چی؟ شیعیان ...

آن وقت عید غدیر چند روز است؟ عاشورا که یک روز است، ۲۸ صفر یک روز است، عید فطر هم یک روز است که البته اخیراً تعطیلاتش شده دو روز، ولی عید غدیر ۳ روز است. رسول خدا(ص) فرمودند: من سه روز می‌نشینم اینجا، همه بیایند بیعت کنند...

نیت کنید... هرکسی بین خودش و خدایش با صدای بلند بگوید خدایا من به عشق روی امیرالمؤمنین چند نفر را شام می‌دهم؟ بگو... غذا بدهید، حالا مسجد هم نیاوردید، یک شله‌زرد بین همسایه‌ها پخش کنید. اگر گفتند چرا؟ بگویید هیچی برای غدیر است. به عشق روی امیرالمؤمنین(ع).! مگر به عشق امیرالمؤمنین(ع) هم غذا می‌دهند؟ بله، غذا می‌دهند. خدا انشا... همه ما را موفق بدارد برای اینکه عید غدیر غذا بدهیم.

بیان معنوی

امضاء سرخ



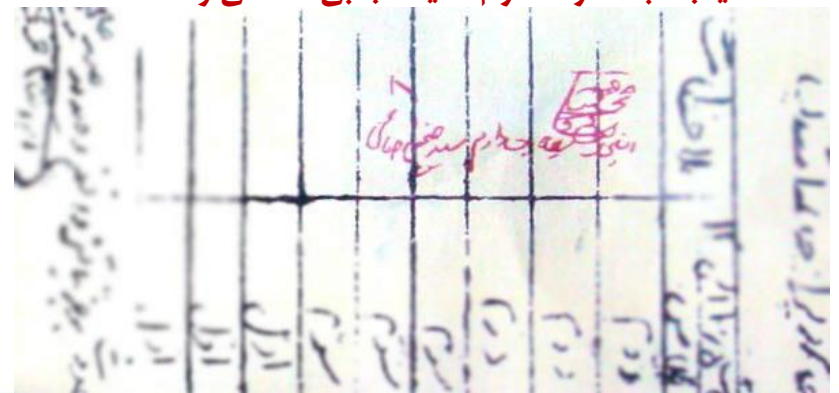
آخرین روزهای سال ۱۳۶۲ بود که خبر شهادت پدرم به ما رسید. بعد از یک هفته عزاداری، مادرم به همراه

فامیل برای برگزاری مراسم یادبود به زادگاه پدرم (خوانسار)

رفتند و من هم بعد از هفت روز اولین بار به مدرسه رفتم. همان روز برنامه امتحانی ثلث دوم را به ما دادند و گفتند: والدین باید آن را امضاء کنند. آن شب با خاطری غمگین و چشمانی اشک‌آلود، با این فکر که چه کسی باید برنامه مرا امضاء کند، به خواب رفتم. در عالم رؤیا پدرم را دیدم که مثل همیشه خندان و پر نشاط بود. بعد از کمی صحبت به من گفتم: زهرا آن نامه را بیاور تا امضاء کنم. گفتم: کدام نامه؟ گفت: همان نامه‌ای که امروز در مدرسه به تو دادند. برنامه را آوردم اما هر خودکاری که برمی‌داشتم تا به پدرم بدهم قرمز بود. چون می‌دانستم پدرم با قرمز امضاء نمی‌کند، بالاخره یک خودکار آبی پیدا کردم و به او دادم و پدرم شروع کرد به نوشتن.

صبح که برای رفتن به مدرسه آماده می‌شدم از خواب دیشب چیزی خاطرمد نبود. اما وقتی داشتم وسایلم را مرتب می‌کردم، ناگهان چشمم به آن برنامه افتاد. باورم نمی‌شد! اما حقیقت داشت. در ستون ملاحظات برنامه، دست خط پدرم که به رنگ قرمز نوشته بود:

اینجانب نظارت دارم. سید مجتبی صالحی و امضاء



پند سقراط

روزی سقراط، حکیم معروف یونانی، مردی را دید که خیلی ناراحت و متأثر است. علت ناراحتی‌اش را پرسید، پاسخ داد: در راه که می‌آمدم یکی از آشنایان را دیدم. سلام کردم جواب نداد و با بی‌اعتنایی و خودخواهی گذشت و رفت، من از این طرز رفتار او خیلی رنجیدم.

سقراط گفت: چرا رنجیدی؟ مرد با تعجب گفت: خب معلوم است، چنین رفتاری ناراحت‌کننده است. سقراط پرسید: اگر در راه کسی را می‌دیدى که به زمین افتاده و از درد و بیماری به خود می‌پیچد، آیا از دست او دلخور و رنجیده می‌شدى؟
مرد گفت: مسلم است که هرگز دلخور نمی‌شدم. انسان که از بیمار بودن کسی دلخور نمی‌شود.

سقراط پرسید: به جای دلخوری چه احساسی می‌یافتی و چه می‌کردی؟

مرد جواب داد: احساس دلسوزی و شفقت و سعی می‌کردم طیب یا دارویی به او برسانم.
سقراط گفت: همه‌ی این کارها را به خاطر آن می‌کردی که او را بیمار می‌دانستی، آیا انسان تنها جسمش بیمار می‌شود؟ و آیا کسی که رفتارش نادرست است، روانش بیمار نیست؟ اگر کسی فکر و روانش سالم باشد، هرگز رفتار بدی از او دیده نمی‌شود؟ بیماری فکر و روان نامش غفلت است و باید به جای دلخوری و رنجش، نسبت به کسی که بدی می‌کند و غافل است، دل سوزاند و کمک کرد و به او طیب روح و داروی جان رساند. پس از دست هیچ‌کس دلخور مشو و کینه به دل مگیر و آرامش خود را هرگز از دست مده و بدان که هر وقت کسی بدی می‌کند، در آن لحظه بیمار است.



سلام بر امام منتظران

سه‌شنبه گذشته در مسجد مقدس جمکران بودم که چشمم به جوانی افتاد که در حال واکس زدن صلواتی کفش‌ها بود. برای اینکه کارش را ببینم راهم را به سمتش کج کردم. درحالی که سخت مشغول واکس زدن کفش‌ها بود برگه‌ای با نوشته‌ای در کنارش گذاشته بود که نوشته بود: "اَقا اِگر اَمدی نِشناختِمت بِبخشید"

دل‌ها به انسانی جذب می‌شود که...

پیامبر می‌فرماید: **إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ**، فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ.

امالی شیخ صدوق، ص ۶۲

این روایت می‌فرماید شما می‌خواهید با پول دل‌ها را به خودتان نزدیک کنید، هرگز چنین کاری را نمی‌توانید بکنید. اما یک وسیله‌ای دارید برای اینکه بتوانید دل‌های اکثر مردم را به خودتان نزدیک کنید، آن چیست؟ آن اخلاق است. اگر شما تواضع بورزید، آدم صادقی باشید، اگر علیه این‌وآن حرکت مخربی انجام ندهید، اگر کسی باشید که روی حرف خودتان می‌ایستید، این‌ها صفاتی است که مردم دوست می‌دارند، می‌توانید با این خُلق خوب با این اخلاق حسنه دل مردم را به طرف خودتان جذب کنید. بنابراین اخلاق فقط به معنای اخلاق معاشرت یعنی خوش‌خلقی و لبخند به مردم نیست. بلکه همه خصلت‌های حسنه‌ای است که اسلام این‌ها را برای انسان‌ها لازم دانسته است، معروف‌های اسلام، معروف‌های عرف بشری است، یعنی انسانی که دارای شجاعت است، دارای صبر و حلم است، دارای گذشت است، دل‌ها به این انسان جذب می‌شود.



شرح حدیث از مقام معظم رهبری در مقدمه درس خارج ۹۳/۲/۷